

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

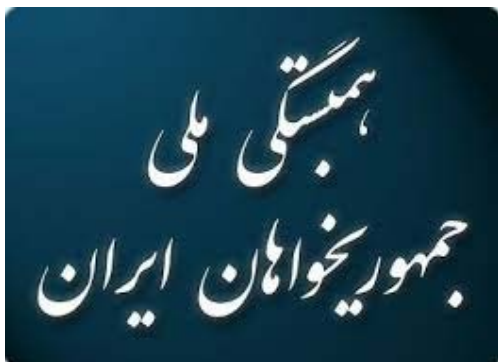
با سلام

سه بیانیه در مورد توافق اتمی خدمت شما ارسال میگردد.

با سپاس

فرستنده: علی صدارت

۱۰ اپریل ۲۰۱۵



هموطنان عزیز

همانطور که پیش بینی می شد رژیم جمهوری اسلامی برای حل سومین بحران بزرگ بعد از انقلاب ۵۷ نیز دادن هزینه های بسیار بالا را بر تسلیم شدن به مردم و گفتن حقایق در باره سیاست ویرانگر هسته ئی ترجیح داد. در توافقی که با جزئیات مهم بین ایران و قدرتهای خارجی صورت گرفت که در تیرماه [سرطان] به صورت یک قرارداد بین المللی ثبت خواهد شد ایران پذیرفته است که:

- میزان عظیمی از ذخیره اورانیومهای غنی شده خود را از بین ببرد.

- اورانیوم را بالاتر از ۴ درصد غنی نکند و این کار تنها در نطنز صورت گیرد.

- از فردو برای غنی سازی دیگر استفاده نشود.

- تنها حدود ۵۰۰۰ سانتریفوز نسل اول از ۲۰۰۰۰ فعلی به کار غنی سازی ادامه دهند.

- پروتکل الحاقی و کد اصلاحی ۳,۱ را اجراء کند. فعالیتهای هسته ئی ایران در مواردی به مدت ۲۵ سال تحت نظر قرار می گیرند و بعد از آنهم ایران حق ندارد از پروتکل الحاقی خارج شود.

- در زمینه فعالیت های اتمی طرف مقابل به مهار کردن ایران دست یافته که بنابر مورد، ۱۰ ساله و ۱۵ ساله و ۲۰ ساله و ۲۵ ساله و دائمی خواهد بود.

- در عوض تحریمهای سازمان ملل از تیرماه به تدریج برداشته می شوند و تحریمهای امریکائی به تدریج معلق خواهد شد. - تحریمهایی که مربوط به راکت‌های بالیستیکی است باقی می ماند.

- طرف مقابل خلاف اطلاع دروغی که هیأت مذاکره کننده ایرانی به مردم رسانده، به این شکل که: "در روز اول اجرای توافق همه تحریمهای اقتصادی برداشته می شود" همه تحریمها برداشته نمی شوند بلکه:

تحریمهای مربوط به برنامه راکتی و تروریسم و تجاوز به حقوق بشر برجا می مانند.

تحریمهای وضع شده از طرف سازمان ملل متحد لغو نمی شوند بلکه به حال تعلیق در می آیند.

بر طبق این توافقنامه فقط تحریمهای مربوط به برنامه اتمی و مرحله به مرحله به حال تعلیق در غنی سازی نبود.

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز از سیاست هسته ئی به عنوان یک ابزار برای تثبیت خود استفاده کرده است و با این که راه مناسب برای پایان دادن به بحران وجود داشت، ترجیح داد که بحران را طولانی کرده و درپایان بعد از هدر دادن صدها میلیارد هزینه از اموال شما مردم ایران با دادن امتیازهایی توافقی را که طبق آن دولت ایران در امر هسته ئی زیر قیمومیت دول خارجی قرار می ، امضاء کرد.

ما از آغاز مخالف راه حل نظامی و تحریمها بودیم. از این که سایه حمله نظامی به ایران، حداقل برای مدتی، به کنار می رود و برخی از این تحریمها برداشته شود خرسندیم. امیدواریم این توافق برای مردم مجال و فضائی را برای عمل ایجاد کند، بدین سان اکنون که مردم نگران حمله نظامی نیستند در باز یابی حق حاکمیت خود کوشا تر باشند و با احساس مسؤولیت نسبت به سرنوشت خود عمل کنند و نظام جمهوری اسلامی را به جهت هدر دادن سرمایه ها و نیز سوزاندن فرصتها مورد باز خواست قرار دهند و مراقب باشند تا رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر ایران را دچار بحران تازه ای نکند.

هوشیار باشیم که نظام حاکم و ولی فقیه آن، هردو برای حفظ و اعمال استبداد، نیازمند بحران سازی و ایجاد فضای تبلیغاتی هستند تا با توسل به این وسائل از گشایش فضای آزاد در داخل جامعه پرهیز کنند و از ایجاد روابط مسالمت آمیز با کشورهای خارجی سر باز بزنند.

ما سیاست هسته ئی جمهوری اسلامی را جنایتی علیه ملت ایران می دانیم و همچنان در افشای این سیاستها خود را مسؤول می دانیم.

از نظر همبستگی ملی جمهوریخواهان ایران توافق اخیر راه حل نیست و حقوق ملی مردم ایران را مخدوش کرده است. ما معتقدیم تنها زمانی برای این مسأله راه حل ممکن می گردد که حاکمیت کشوربا مردم ایران باشد.

همبستگی ملی جمهوریخواهان ایران

چهارشنبه ۱۹ فروردین [حمل] ۱۳۹۴ - ۸ اپریل ۲۰۱۵

بیانیه مجمع اسلامی ایرانیان در رابطه با «تفاهم نامه» لوزان

هموطنان عزیز

استقلال و آزادی که از اصول راهنمای انقلاب مردم ایران در سال ۵۷ نیز بودند از هم تفکیک ناپذیر و دو رکن اصلی در هر نظام مردمسالار هستند. این دو اصل اما، در طول حیات نظام ولایت فقیه که موجودیت خود را با کودتا علیه رأی جمهور مردم و حاکمیت ملی آغاز کرده است نقض شده اند. علی رغم شعارهای ظاهری، تاکنون

سیاست حاکم بر نظام ولایت فقیه بر مبنای ستیز با درون و سازش با بیرون که ناقض آزادی و استقلال است استوار بوده است. بحران سازی، اصرار بر ادامه آن، بی‌اطلاع نگهداشتن مردم از کم و کیف بحران و در نهایت ختم آن در تسلیم، باز در بی‌خبری عموم مردم از کم و کیف آن از مشخصه‌های بارز این نظام است.

بعد از گروگان‌گیری و جنگ ۸ ساله این سومین تجربه بحران سازی نظام ولایت فقیه است که به تسلیم می‌انجامد. همانطور که پیش‌بینی می‌شد رژیم جمهوری اسلامی، برای حل بحران خود ساخته، بیراهه تحمیل پرداخت هزینه‌های بسیار بالا به مردم ایران، نسل امروز و نسلهای آینده، و امتیاز دهی به قدرت‌های بیگانه را تا آخر رفت به خطر انداختن استقلال کشور را بر شفافیت در درون و تسلیم شدن به خواست مردم که زیستن در آزادی و استقلال همراه با برخورداری از عدالت اجتماعی است، ترجیح داد. توافقی که بین ایران و قدرت‌های خارجی در لوزان صورت گرفت و مواد آن آشکار شد و بناست در تیرماه [سرطان] آینده به صورت یک قرارداد بین‌المللی درآید، حاکمیت ملی مردم ایران را کاملاً نقض کرده‌است. در این توافق، ایران پذیرفته است که:

- ۱ - ایران تا ۱۵ سال اجازه غنی کردن اورانیوم بالای ۴ درصد را نخواهد داشت.
 - ۲ - غنی سازی اورانیوم در فردو به کلی متوقف می‌شود. مرکز فردو که ۱۳۰ متر زیر زمین است تبدیل به یک مرکز تحقیقاتی خواهد شد.
 - ۳ - به غیر از نظنر مرکز دیگری برای غنی سازی ایجاد نمی‌شود.
 - ۴ - از حدود ۸۰۰۰ کیلو اورانیوم غنی شده در ایران، برای مدت ۱۵ سال، ایران تنها حق دارد ۳۰۰ کیلوگرم آن را ذخیره کند.
 - ۵ - از ۱۸۴۷۲ دستگاه سانتریفوژ نسل اول فعلی که ۹۰۰۰ واحد آن فعال است به مدت ۱۰ سال فقط ۵۰۶۰ واحد آن فعال خواهد ماند. این سانتریفوژها مدلهای بسیار قدیمی مربوط به ۵۰ سال پیش هستند و کارکرد آنها یک چهارم کارکرد سانتریفوژهای مدرن است و این تعداد سانتریفوژ تنها ۲۰۵ درصد از سوخت سالانه نیروگاه بوشهر را می‌تواند تولید کند. به عبارت دیگر، غنی سازی، در واقع، تعطیل می‌شود.
 - ۶ - پروتکل الحاقی و کد اصلاحی ۳.۱ را اجراء کند. فعالیتهای هسته‌ای ایران در مواردی به مدت ۲۵ سال تحت کنترل قرار می‌گیرند و بعد از آنهم، کنترل ایران برای این‌که بمب اتمی تولید نکند، دائمی خواهد بود. بنابراین، ایران حق ندارد از پروتکل الحاقی خارج شود.
- خلاف اطلاع دروغی که هیأت مذاکره کننده ایرانی به مردم داد که بنا بر آن: "در روز اول اجرای توافق همه تحریمهای اقتصادی برداشته می‌شوند"، همه تحریمها نیز برداشته نمیشوند و آنها هم که برداشته می‌شوند، در واقع، به حال تعلیق در می‌آیند.

بدین ترتیب، در اصل، آقای خامنه‌ای و دستیاران او پذیرفته‌اند، ایران، تا ۱۰ سال صنعت غنی سازی خود را عملاً از کار بیندازد. مجبور باشد تنها از تعداد بسیار کمی سانتریفوژ مدل ۵۰ سال پیش استفاده کند که آنها نیز تا ۱۰ سال آینده همه اسقاط خواهند بود. نتیجه این که شعارها درباره ضرورت غنی سازی برای تأمین سوخت راکتورها دروغ بودند. اگر صحت داشتند رژیم نمی‌توانست هم تعطیل عملی غنی سازی را قبول کند و هم نظارت‌های متفاوت [تا نظارت ۲۵ ساله] را بپذیرد. بدین قسم توافق لوزان پرده از یکی از دروغهای رژیم درباره سیاست هسته‌ای اش و این که "حق مسلم ما است" برداشت.

آیا خود رژیم نمی‌توانست در همان آغاز، در تعامل با مردم، با تشکیل کنفرانسهای عمومی و بهره بردن از نظر کارشناسان داخلی و خارجی در شفافیت کامل تصمیم بگیرد و غنی سازی را متوقف کند و با توجه به منابع

اورانیوم موجود در کشور که اصولاً به هیچ وجه به صرفه هم نیست، از آن دست بردارد؟ اما بنا بر ماهیت استبدادی و مردم‌گریزی، اینکار را برای حفظ ظاهر و پوشش دادن به فریبی که طی سالها "حق مسلم" میخواندش نکرده و حال مجبور شده است زیر فشار قدرتهای خارجی، هم غنی سازی را متوقف کند و هم تحریمها که در اثر اصرار بر ادامه بحران برقرار شده بودند و زمانی نیز آنها را کاغذ پاره میخواندند کاملاً برداشته نمی شوند و هم با تحت کنترل ۶ قدرت جهانی در آوردن ایران، حاکمیت ملی را نقض می کند.

زنهار که وقتی حاکمیت ملی نقض و ایران در مهار قدرتهای خارجی در می آید، از توان ایران آنهم به سبب قرار گرفتن در موضع ضعف، برای دفاع از حقوق ملی خصوصاً در میادین نفتی مشترک خلیج فارس و خزر با سایر کشورها، کاسته می گردد و حقوق ایران در مالکیت میادین مشاع نفتی سلب می گردد.

همانطور که بارها هشدار داده‌ایم راه حل بحران اتمی نه حمله نظامی، نه تحریمهایی که مردم را نشانه بگیرند و نه تن دادن به چنین توافقهائی است. راه حل نه در خوردن جام زهر تسلیم، خواه یک دفعه و خواه جرعه، جرعه که نهایتاً اثر آن بر پیکر ایران و جامعه آن باقی خواهد ماند می باشد بلکه در رجوع به حاکمیت ملی و باز پس دادن حاکمیت دزدیده شده آنها است.

ما همچنان به افشای سوءاستفاده‌های متعدد سلطه گران در داخل و خارج که منجر به نقض حاکمیت ملی می‌شوند، نزد افکار عمومی، ادامه می‌دهیم. تکرار می‌کنیم که برای حل این بحران راحل دیگری وجود داشت و همچنان وجود دارد. با این‌گونه توافقها جلوی هزینه‌هایی که بهای آنها بیشتر، مردم می پردازند نگرفته نمی‌شود و متأسفانه بر آنها افزوده نیز خواهد شد. علاوه بر اینها، توافق لوزان راه دخالت قدرتهای خارجی را در امور ایران باز می‌گذارد.

بدون حاکمیت ملی امکان پیدا کردن راه حلی که حقوق ملی ایرانیان را در نظر بگیرد ممکن نیست. به هموطنان یادآوری می‌کنیم که تا چه اندازه پیگیری مسائل مهمی چون سیاست اتمی برای سرنوشت ما اهمیت دارد. بحران اتمی و توافق لوزان، هردو، کار آقای خامنه‌ای، در مقام «رهبر» است. یکایک موارد آن به تصویب او رسیده و او مسئول اول آن است. بهوش باشیم! توافق لوزان را دست‌آویز و پوشش ستایش از کسی و مقامی نکنیم که ریشه فسادها و خیانت‌ها و جنایت‌ها است.

هشدار می‌دهیم که بحران هسته‌ای و نحوه خاتمه دادن به آن، آخرین بحران و ماجراجویی نظام ولایت مطلقه نیست و نخواهد بود، دام و بحران بس خطرناک و ویرانگر دیگر، ببر کاغذی بازسازی "امپراتوری ایران" است که نتیجه آن در گیر کردن ایران در نا آرامی‌های منطقه ئی می شود. این دام پر هزینه در حال تنیدن رشته‌های خود بر اطراف ایران می باشد.

مجامع اسلامی ایرانیان/ ۱۹ فروردین [حمل] ۱۳۹۴

بیانیه آقای ابو الحسن بنی صدر در باره توافق «اتومی»



پیش از آن که گفت و گوها به پایان رسند، مشخصات توافق که اینک واقعیت یافته است، برشمرده شدند. متن منتشره به زبان انگلیسی و اظهارات آقایان اوباما و کری، رئیس جمهوری و وزیر خارجه امریکا، جا برای تردید باقی نمی گذارد که توافق مشخصات سخت گیرانه تری از آنچه پیش بینی می شد دارد و رژیم ولایت مطلقه فقیه عامل تحمیل چنین توافقی به کشور شده است. در حقیقت:

۱. توافق یک طرفه است. هم بدین خاطر که تعهدها را ایران می پذیرد اما، مجازاتها را، بخشی از آنها را، وضع کنندگان به حال تعلیق در می آورند و هم بدین لحاظ که کشورهای ۱+۵ و سازمان بین المللی انرژی اتمی کنترل کننده اند و ایران کنترل شونده.

۲. مهار تأسیسات اتمی ایران کامل است. زیرا ایران پرتکل الحاقی را نیز می پذیرد. **مهار ایران در آنچه به رعایت قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای می شود، دائمی است.**

۳. مهار ایران در آنچه به فعالیت های اتمی مربوط می شود، بنابر مورد، ۱۰ ساله و ۱۵ ساله و ۲۰ ساله و ۲۵ ساله و دائمی خواهد بود.

۴. بنابر متن انگلیسی و فرانسوی، تنها تحریم های مربوط به برنامه اتمی، به حال تعلیق در می آیند. در متن فارسی که آقای ظریف قرائت کرد، برای پرهیز از اثر کلمه تعلیق، کلمه متوقف می شود بکار رفته است. طرفه این که در متنی که زودتر از همه، ایرنا منتشر کرد و هدف از انتشار آن پرکردن ذهن ایرانیان از دروغ بود، لغو کلیه تحریم ها قید شده است. اما بدین سان،

- تحریم های مربوط به برنامه موشکی و تروریسم و تجاوز به حقوق بشر برجا می مانند.
- تحریم های مربوط به برنامه اتمی، مرحله به مرحله، به حال تعلیق در می آیند. هرگاه ایران به تشخیص طرف توافق به تعهدهای خود عمل نکرد، تحریم ها، خود به خود، برقرار می شوند.

- تحریم های وضع شده توسط شورای امنیت نیز لغو نمی شود، به حال تعلیق در می آیند.
۵. ایران تنها یک مرکز غنی سازی اورانیوم خواهد داشت و آن مرکز نطنز است. در این مرکز تا ۱۰ سال، تنها می تواند ۵۰۶۰ سانتریفوژ از نسل اول داشته باشد. یعنی کمتر از آنچه پیش بینی می شد.

- اورانیوم را به میزان ۳.۶۷ درصد بیشتر نمی تواند غنی کند. و
- ایران حق ندارد بیش از سیصد کیلو اورانیوم غنی شده ذخیره کند.
- اورانیوم غنی شده موجود که ۱۰ تن است به سوخت تبدیل می شود. برای این کار به روسیه فرستاده می شود.

هشیار باید بود که این تعلیق دائمی است یعنی همانند شمشیر داموکلس بر سر ایران خواهد بود.
۶. تأسیسات فردو از غنی سازی اورانیوم ممنوع می شوند. ایران تنها می تواند ۱۰۰۰ سانتریفوژ در این مرکز نگاه دارد بدون این که اورانیوم غنی کند. فردو مرکز تحقیقات فیزیک اتمی می گردد.

۷. تأسیسات کارخانه آب سنگین اراک تغییر می‌کنند تا که نتوانند پلوتونیوم تهیه کند. تا زمانی که این کارخانه کار می‌کند تحت کنترل باقی می‌ماند و پلوتونیوم ناچیزی هم که تولید می‌کند، به خارج از ایران انتقال داده می‌شود.

۸. زبانی که در تدوین توافق بکار رفته است مبهم است. هم به لحاظ اختلاف در حد ناپیکسانی در موارد مهم میان سخنان آقای ظریف با سخنان آقایان اوباما و کری و هم به لحاظ محتوای سندی که نزد دو طرف معتبر است. از این‌رو، طرف قوی است که می‌تواند معنای دلخواه خود را به این و آن بند سند بدهد.

* اثر توافق بر موقعیت ایران در منطقه:

۹. کشوری که تحت کنترل یک «ابر قدرت» و ۵ قدرت جهانی است، چگونه می‌تواند از همسایگان خود در مرزهای جنوبی (۸ منطقه نفت و گاز مشاع) بخواهد حق او را بر منابع مشاع نبرند و نخورند؟ در مرزهای شمالی نیز ایران گرفتار این ناتوانی باقی می‌ماند.

۱۰. هم اکنون، به نام جلوگیری از نفوذ ایران بر یمن، اتحادی به ضد ایران واقعیت یافته است. پیش از این، دولت سعودی و اسرائیل و مصر بودند که متحد بودند. اینک در شرق ایران، پاکستان نیز بدان پیوسته است. افغانستان نیز می‌گوید از تجاوز نظامی به یمن حمایت می‌کند. بدین ترتیب، ایران، در شرق و غرب و جنوب و بسا شمال خود، به حال انزوا درآمده است.

۱۱. با توجه به این واقعیت که ایران در تله «کمر بند سبز» - افتاده است که اینک «تجدید امپراتوری» نام گرفته است، دیگر در موقعیتی نیست که بتواند خود را از جنگها بیرون بکشد. به هر تقدیر، ایران به محاصره دشمنان درآمده است.

۱۲. بنابر این که سیاست حکومت اوباما در منطقه این باشد که تعادل قوای جدید در منطقه برقرار شود، رژیم ولایت فقیه تنها وقتی می‌تواند از این موقعیت استفاده کند که روابط خویش را با امریکا بیشتر از عادی کند. تا این هنگام، اعضای دائمی شورای امنیت - این بار المان نیز بر آنها افزوده شده است - در سطح خاورمیانه، دو همکاری موفق انجام داده‌اند: یکی تهیه کردن و به تصویب رساندن قطعنامه ۵۹۸ که به جنگ عراق با ایران پایان داد و دیگری توافق اتمی با ایران. در هر دو مورد، ایران بازنده شد. اما همکاری کشورهای ۱+۵ می‌تواند بر سر مسائل منطقه تجدید شود.

* آیا راحل دیگری وجود داشت؟:

۱۳. توافق بدین معنی است که تأسیسات اتمی وجود صوری دارند. بنابراین، خالی از فایده و پر زیان است. در پایان دوره‌های کنترل، جز تأسیسات مستهلک برجا نمی‌ماند. تن دادن به آن بدین معنی است که آقای خامنه‌ای پذیرفته است که برچیدن آنها رساندن زیان به حداقل است. در واقع، هرگاه تأسیسات برچیده می‌شدند، تحریمها لغو می‌شدند و ایران تحت مهارش قدرت جهانی قرار نمی‌گرفت. بهای سنگینی که به ایران تحمیل شده است، تحمیل نمی‌شد اگر آقای خامنه‌ای جرأت می‌کرد بگوید: جام زهر پایان دادن به غلط کاری را سر می‌کشم.

۱۴. راحل خارج از رابطه قوا با یک «ابر قدرت» و ۵ قدرت، شفاف کردن فعالیت‌های اتمی برای مردم ایران و مردم جهان و قطع ید سپاه از فعالیت‌های اتمی و پایان دادن به بازی «من سوخت اتمی برای نیروگاه‌ها تهیه می‌کنم» و پرداختن به تحقیقات در باب اتم و تکنولوژی اتمی برای استفاده صلح آمیز از آن بود. این راحل نیاز

داشت به محترم شمردن حقوق شهروندی مردم ایران و بازشناسی حق مردم ایران در بازیافتن موقعیت خویش در جهان، به مثابه مردمی که خشونت زدائی را روش خویش در انقلابی بزرگ کردند.

۱۵. توافق می‌گوید و به فریاد که هدف نخستین رژیم استفاده از انرژی اتمی برای تولید برق نبوده‌است. در حقیقت، این واقعیت که برنامه‌ای برای برآوردن نیازهای مردم کشور به برق وجود ندارد و در سال جاری، کمبود برق محسوس خواهد شد و این واقعیت که رژیم برآن نشده‌است از راه کاستن از اتلاف نیرو بر اثر کهنگی کارخانه‌های تولید برق، بر میزان برق بیفزاید، حاکی از آنند که رژیم دروغ ساز و دروغگو، برای هدفی غیر عقلانی، صدها میلیارد دالر به کشور زیان رسانده و ایران را در موقعیتی قرارداده‌است که برای سالهای طولانی باید این زیان را تحمل کنند.

و این سومین تجربه است: گروگان گیری و جنگ ۸ ساله و اینک بحران اتمی. بر عاقل است که آزموده را نیازماید. قدرتمدار جبار عاقل نمی‌شود و تجربه را تکرار می‌کند. اما آیا مردم ایران، مردمی که کشورشان بیابان می‌شود و منابع زیر زمینی‌شان نیز غارت می‌گردد، همچنان باید قربانی تجربه‌های مرگبار و ویرانگر بمانند؟ زمان آن هنوز نشده‌است که به مسئولیت خویش به مثابه شهروندان و مسئولیت خویش در قبال نسلهای آینده قیام کنند؟ ایرانیان! به استقلال و آزادی خود به عنوان انسان و استقلال و آزادی خود به منزله ملت بها دهید!

۱۴ فروردین [حمل] ۱۳۹۴

ابوالحسن بنی صدر